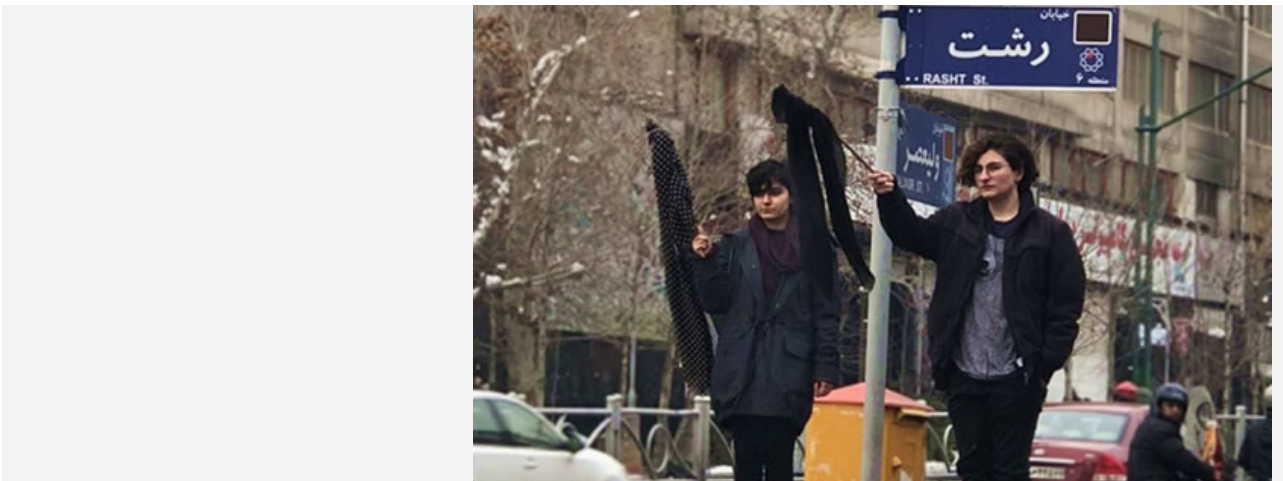


هشت مارس : مبارزه دختران انقلاب فراتر از حرکت انفرادی و مورد توجه عموم، رسانه و

دانشگاه است

مبارزه زنان برای کسب حقوق برابر در جامعه پر تنش ایران، هر روز ادامه دارد و مدام تغییر شکل می‌دهد. این تحول را می‌توان گواه زنده بودن این جنبش اجتماعی دانست؛ تحولاتی که مدت‌هاست خود زنان منشا آن شده‌اند و حتی مستقل از فعالان حقوق مدنی و فعالان حقوق زنان عمل می‌کنند. در میان شکل‌های مختلف مبارزات زنان برای حقوق برابر، مبارزه با حجاب اجباری در طول یک سال گذشته هم یکی از برجسته‌ترین شکل‌های مبارزه بوده و نه تنها در کوچه و خیابان ادامه یافته، که بحث‌ها و تحلیل‌های متفاوتی را برانگیخته است.



دو تن از دختران خیابان انقلاب

به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زنان، زمانه چند پرسش را درباره حرکت اعتراضی دختران خیابان انقلاب و مبارزه با حجاب اجباری، با گروه‌های مختلف فعالان حقوق زنان در میان گذاشته که به صورت پیوسته منتشر خواهند شد. در این بخش نسیم مقرب (صحرا)، دانش‌آموخته تاریخ و آموزش و مرمز مشفق، فعالی حقوق زنان، به این پرسش‌ها پاسخ داده‌اند. نسیم مقرب مبارزه با حجاب اجباری را یکی از ضرورت‌های مبارزه در راستای حقوق زنان می‌داند و معتقد است در نبود اعتراض آشکار جدی و مطالبه‌خواهانه، امکان نزدیک شدن به حذف حجاب اجباری وجود ندارد. مرمز مشفق هم می‌گوید زنان از هر قشر و طبقه اجتماعی باشند مستقیم یا غیر مستقیم از اجباری بودن حجاب آسیب می‌بینند و قطعاً مبارزه با حجاب اجباری یک ضرورت در جنبش زنان ایران است. او همچنین تاکید می‌کند که مبارزه مدنی دختران خیابان انقلاب تمام نشده بلکه از حالتی به حالت دیگر درآمده است.

نسیم مقرب: اعتراض به حجاب اجباری تأثیر قابل توجهی بر جلب توجه عمومی، رسانه‌ای و دانشگاهی به این مساله دارد. آیا مبارزه با حجاب اجباری را یک ضرورت در مبارزات برابری طلبانه زنان می‌دانید؟



نسیم مقرب

به باور من، حجاب اجباری در ۴۰ سال گذشته، به ویژه زندگی زنان ایرانی سکولار را به طور جدی تحت تأثیر قرار داده است. من این تأثیر را به خصوص در رابطه با چند مورد ارزیابی می‌کنم. اینکه دسترسی زنان به خدمات و امکان مشارکت اجتماعی مشروط به پوشیدن یک سمبل مذهبی شده، نشان از رابطه حجاب اجباری با تبعیض جنسیتی، همین‌طور نقض حق آزادی عقیده است. دیگر اینکه، اعتراض به این اجبار منجر به تهدید موقعیت شغلی و تحصیلی، همین‌طور

اعمال خشونت فیزیکی و روانی می‌شود. در عین حال، فکر می‌کنم حجاب اجباری و رابطه آن با کنترل بدن، هویت و اختیار زنان تأثیر مستقیم بر روند توانمندسازی زنان در دوره رشد فکری، فیزیکی و روانی دارد. از این رو، قطعاً مبارزه با حجاب اجباری را یکی از ضرورت‌های مبارزه در راستای حقوق زنان می‌دانم. این مبارزه به یک دلیل دیگر هم از نظر من از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حجاب اجباری و مشکلاتی که به واسطه آن برای یک زن در خانواده و جامعه پیش می‌آید تجربه مشترک و ملموس بسیاری از زنان ایران است. امید زیادی به این دارم که مبارزه مستمر با حجاب اجباری بسیاری از زنان و البته مردان کمتر آشنا با مبانی تبعیض جنسیتی را بیش از پیش به موارد نقض حقوق زنان حساس کند. این هدف در صورت توجه بیش از پیش به آگاهی‌رسانی در مورد ابعاد مختلف رابطه حجاب اجباری و تبعیض جنسیتی محقق خواهد شد.

آیا به باور شما حجاب موضوعی سیاسی است؟

دو عامل اصلی تبعیض جنسیتی در ایران، قوانین و فرهنگ پدر-مردسالار است. در ۴۰ سال گذشته، حجاب اجباری مشروعیت خود را از هر دو این منابع گرفته اما نقش حکومت در این میان بسیار پررنگ است. اینکه حجاب به عنوان یک اجبار وارد قانون شده و عدم رعایت آن مشمول مجازات می‌شود قطعاً حجاب اجباری را تبدیل به موضوعی سیاسی می‌کند. علاوه بر این، می‌دانیم جمهوری اسلامی از ابتدای تأسیسش تا امروز تمام توان خود را برای ساختن و نمایش یک کشور اسلامی در چشم جهانیان به کار برده است. در حال حاضر، حجاب زنان به عنوان یک سمبل اسلامی در تمام دنیا شناخته می‌شود. به این دلیل، رعایت حجاب از سوی تمام یا اکثریت زنان یک کشور از عناصر اصلی ساختن تصویر کشور مسلمان می‌تواند باشد. یکی از دلایل اصلی که حکومت از مکانیزم‌های مختلف برای فراگیر کردن ایدئولوژی خود و خنثی کردن صدای اعتراض استفاده کرده همین موضوع نمایش کشور اسلامی است. جا انداختن حجاب اجباری با تعیین مقرراتی در این زمینه در نهادهای دولتی آغاز شد. به دلیل امکان کنترل بیشتر و وارد کردن هزینه بالاتر، من بزرگترین موفقیت حکومت در رابطه با تحمیل حجاب و نرمال کردن استفاده از حجاب را در نهادها و مراکز دولتی می‌بینم. تا زمانی که تغییر محسوسی در رابطه با حذف یا محدود کردن حداکثری کنترل و نظارت دولتی در رابطه با حجاب اجباری در نهادها، سازمان‌ها و مراکز دولتی اتفاق نیفتند، ما همچنان به شکل جدی با تبعیض جنسیتی که به واسطه حجاب اجباری اتفاق می‌افتد روبه‌رو هستیم. علاوه بر ربط حجاب اجباری با قوانین و مقررات و مجازات‌ها، اختصاص سرمایه‌های هنگفتی در جهت تبلیغ حجاب در مدارس، صدا و سیما، سطح شهر، کنفرانس‌های دولتی و غیره نقش حکومت در رابطه با حجاب اجباری را به صورتی دیگر نشان می‌دهد. اینها همه از دلایلی‌ست که حجاب اجباری یک موضوع سیاسی است.

آیا شیوه مبارزه مدنی دختران خیابان انقلاب را رادیکال و تمام شده ارزیابی می‌کنید؟

به دلایلی که در بالا ذکر کردم، اعتراض به حجاب اجباری به خصوص زمانی که قوانین، مقررات و سیاست‌های حکومتی را به صورت جدی به چالش می‌کشد، هشدار جدی‌تر برای حکومت به حساب می‌آید و واکنش حکومت را برمی‌انگیزد. به این نسبت، هر اعتراض آشکار، مشخص و قدرتمندی به حجاب اجباری که توجه جامعه و رسانه‌ها را به خود جلب کند می‌تواند رادیکال قلمداد شود. در عین حال، فکر می‌کنم در نبود اعتراض آشکار جدی و مطالبه‌خواهانه، امکان نزدیک شدن به حذف

حجاب اجباری وجود ندارد. همانطور که در مورد دختران خیابان انقلاب دیدیم چنین اعتراض‌هایی تأثیر قابل توجهی بر جلب توجه عمومی، رسانه‌ای و دانشگاهی به مسئله حجاب اجباری در ایران دارد. شیوه اعتراضی که با عنوان دختران خیابان انقلاب عجین شد، در سال گذشته از نقطه اوجش گذر کرد اما تأثیرگذاری آن همچنان ادامه دارد. حجم مطالب تولید شده در رابطه با حجاب اجباری در یک سال اخیر، چه در قالب کمپین چهارشنبه‌های سفید و چه در پلت‌فرم‌های دیگر، در مقایسه با دهه‌های گذشته بی‌سابقه بوده است. این مطالب روایت‌های شخصی از تجربه این اجبار در دوره‌های مختلف، واکنش و پوشش خبرهای مربوط به تحمیل حجاب اجباری تا تحلیل‌ها و نقدهای تخصصی و برنامه‌های رادیو-تلویزیونی در رابطه با مسئله حجاب اجباری را شامل می‌شود. تولید این مطالب و رونق گرفتن بحث‌های مختلف در رابطه با ابعاد مختلف حجاب اجباری و ربط آن به تبعیض جنسیتی، معنایی دقیق‌تر به مبارزات هر روزه -که به باور من در بسیاری موارد در سطح ناخودآگاه اتفاق می‌افتاد- می‌دهد و قدرت مبارزه را نیز بیشتر می‌کند.

مرمر مشفق معصومی: مبارزه با حجاب اجباری از حرکت انفرادی و سمبلیک چند زن فراتر رفته است

آیا مبارزه با حجاب اجباری را یک ضرورت در مبارزات برای طلبانه زنان می‌دانید؟



مرمر مشفق

بله. حق انتخاب پوشش موضوعی فراطبقاتی است. با اجباری بودن حجاب زنان بسیاری با محدودیت‌های فراوان در زندگی فردی و اجتماعی به‌خصوص در زمینه اشتغال رو به رو می‌شوند. با اینکه در حال حاضر ما زنانی موفق در تمامی عرصه‌ها داریم اما بی‌شک اگر حجاب اجباری نبود تعداد بیشتری از زنان در عرصه‌های مختلف امکان حضور داشتند. بحث حجاب اجباری هم از منظر فردی (آسیب‌های روحی و روانی به خاطر تحمیل) هم از منظر اجتماعی و اقتصادی تأثیر دارد. کوتاه‌اندیشانه است که مبارزه با حجاب اجباری را موضوعی طبقاتی در نظر بگیریم. زنان طبقه فرودست نیز چه از سمت حاکمیت چه فرهنگ و سنت خانوادگی و طبقاتی تحت تأثیر این اجبار هستند. در نظر بگیریم زنی کارگر در کارخانه مسلمان اگر حجاب اجباری نبود مشکلات کمتری به‌خاطر پوشش اسلامی داشتند. زنان ورزشکار نتایج بهتری را به دست می‌آوردند، زنان بیشتری وارد بازار کار می‌شدند. پس می‌بینیم که زنان از هر قشر و طبقه اجتماعی باشند مستقیم یا غیر مستقیم از اجباری بودن حجاب آسیب می‌بینند و قطعاً مبارزه با حجاب اجباری یک ضرورت در جنبش زنان ایران است.

آیا به باور شما حجاب موضوعی سیاسی است؟

بله. باور دارم که حجاب پاشنه آشیل جمهوری اسلامی است. هویت جمهوری اسلامی با حجاب زنان پیوند خورده و زن ایرانی با حجاب نماد جمهوری اسلامی است چرا که به جز عربستان و ایران در هیچ کشور دیگری حجاب اجباری نیست. به‌خاطر این هویت جمهوری اسلامی سالانه میلیون‌ها تومان هزینه تبلیغات، گشت ارشاد و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی به نفع حجاب می‌کند. وقتی حجاب هویت یک نظام استبدادی است بی‌شک مبارزه با آن فراتر از یک جنبش اجتماعی است و موضوعی سیاسی هم می‌شود.

آیا شیوه مبارزه مدنی دختران خیابان انقلاب را رادیکال و تمام شده ارزیابی می‌کنید؟

خیر. مبارزه مدتی دختران خیابان انقلاب یک حرکت در راستای سال‌ها مبارزات هر روزه زنان، دانسته و نادانسته، خواسته و ناخواسته، آشکار و نهان در گوشه گوشه ایران بود. یک کنش منحصر به فرد که خون تازه‌ای به رگ‌های این مبارزات پیوسته اما غیرمنسجم داد. مسلماً این حرکت آنقدر مهم بود که حاکمیت را واداشت تا راه‌های تکرارش را محدود کند اما می‌بینیم که مبارزه از حرکت انفرادی و سمبلیک چند زن فراتر رفته و حالا در گوشه و کنار و به شکل علنی زنان بدون حجاب دیده می‌شوند. در واقع مبارزه مدنی دختران خیابان انقلاب تمام نشده بلکه از حالتی به حالت دیگر درآمده. یک سال پیش در هنگام بازداشت دختران خیابان انقلاب، تلاشی از سوی مردم برای ممانعت از بازداشت دیده نمی‌شد اما امروز بعد از یک سال می‌بینیم که مردم با اعتراضی شدید مانع بازداشت زنان به خاطر حجاب می‌شوند (اتفاق اخیر در نارمک تهران) و حتی کماکان زناتی هستند که دوباره حرکت دختران انقلاب را احیا می‌کنند اما در مکانی دیگر (عکسی که اخیراً منتشر شده از خانمی در خیابان کریم خان زند).

پرونده زمانه به مناسبت روز جهانی زنان: ۸ مارس: بر سکوی مبارزه ایستاده‌ایم